

برای دموکراسی در ایران daneshjoo.net
کمیته هماهنگی جنبش دانشجو ئی

چه کسی را میتوان تروریست خواند؟

آیا فقط اشخاص و گروههائی که برای رسیدن به اهداف خود ، به انسانهاي بيگناه آسيب ميرسانند و یا آنان را میکشند تروریست میباشند؟ یا اینکه دولتهائي هم که فقط برای در دست نگاه داشتن قدرت و ادامه حیات خود، مردم خود را زیر فشار گذاشته و شکنجه میدهند و حتي بقتل ميرسانند، تروریست هستند؟ اگر چنین است چگونه میتوان با این حکومتها رفتار نمود؟

بيشك از زماني كه تمامي دنياى باصطلاح "متمدن" براي مبارزه بر عليه تروريسم متحد گشته اند و با عمليات نظامي يا پليسي با آن مبارزه مينمايند، دولتهائي كه عليه مردم خود مرتكب وحشتناكترين جنايتها شده اند نه تنها از طرف برخي از كشورهاى غرب تحت حفاظت قرار دارند بلكه حمايت نيز ميگردند.

در این راستا میشود ازنمونه بارزآن یعني رژیم مذهبي حاكم بر ایران سخن گفت.

بي ترديد تصاوير اعدام جوانان ايراني كه طي هفته هاي گذشته در ايران به قتل رسيدند و از جراثقالها آويزان گشتند و همچنين ضرب و شتم زنان جان به لب رسيده و سركوب گسترده دانشجويان آزاديخواه، در تمامي دنيا منعكس گشتند، ولي گوئي تا زمانيكه نفت بسوي غرب جاريست و بخصوص سوداگراني همچوشركتهاي اروپائي و بويژه آلماني ميتوانند با امتيازات ويژه در ايران به معاملات خود ادامه دهند، اين اعدامها و سركوبها از نظر اخلاقي براي اينگونه مدعيان دفاع از حقوق بشر زياد منفي بنظر نميرسند. آري همگي سياستهاي دغلكارانه موسوم به " گفتگوي انتقاد آميز و يا سازنده" حكام آلمان و شركاي اروپائي شان را بخاطر داريم و به نظر ميرسد كه حقوق" مقدس" بشرفقط به اسلحه اي در برابر حاكمان كنوني ايران و همتايانش تبديل گشته است. زيرا تا زمانيكه اين گونه حكومتهاي استبدادي و سركوبگر بدليل فقدان جنبشهاي ملي- مردمي هماهنگي، قادرند تا جيب اربابان خارجي خود را پر نمايند و به قراردادهاي خفت بار تن ميدهند، عليرغم سركوب و كشتار آزاديخواهان و دگراندیشان، حقوق بشر براي مدعيان آن دراين كشورها پايمال نميگردد و يا حداقل كسي از آن ياد نمينمايد. ولي بمحض اوجگيري اعتراضات مردمي و خطرهاي آتي كه منافع اين سوداگران غربي را تهديد مينمايد، آنان ناگهان در سياستهاي مزورانه خود مقداري بازنگري مينمايند ودرحاليكه به ادامه حفاظت و حمايت از دست نشاندگان خود ميپردازند، در عين حال مذبوحانه براي فرونشاندن آتش خشم مبارزان اعلام مينمايند كه اينك گفتگو بر سر نقض حقوق بشر را نيز در راستاي گفتگوهاي توسعه

روابط تجاري و بازرگاني خود ميگنجانند. اين نوادگان لوتر، روسو و كانت گوئي كه بخيال خود ملت ايران را مشتي خوش باور و كم حافظه ميپندارند. زهي خيال باطل!

هم اينك در حاليكه تعدادي از نمايندگان اتحاديه اروپا در ايران بسر ميبرند و قرار ملاقاتي نيز پنجشنبه همين هفته بين نمايندگان جمهوري اسلامي و اتحاديه اروپا در مقر آن برگزار خواهد گشت، دولت مذهبي حاكم بر ايران همچنان به سركوب گسترده مخالفان و جوانان، به دار زدنها، سنگسار زنان و مردان، قطع انگشتان و بريدن دست و پا، از حدقه درآوردن چشم و شلاق زدنها ادامه ميدهند و با حمايت دوستانه اروپا بخصوص ممالكي همچو آلمان حتي سعي نمينمايند كه اينگونه اعمال وحشيانه و ننگين را از چشم ديگران مخفي نگاهدارند وحتي برخي از ملايان خواهان اعدامها ي بيشتري در انظارو سركوب گسترده تري نيز ميباشند. سوداگري اروپائيان امروز به حدي رسيده كه حتي قضات كشورهائي همچو آلمان، ايران تحت سلطه ملايان را بعنوان يك كشور مطمئن كه در آن هيچ خطري مخالفان را تهديد نمينمايد، اعلام ميدارند و با تكيه بر اين ادعاي واهي، تقاضاهاي ده ها پناهجويان ايراني را رد ميكنند . بي ترديد تا زمانيكه دولتهاي اروپائي بخاطر منافع خود از هرجناحي از جمهوري اسلامي حفاظت و حمايت مينمايند و روي اعمال اين غاصبين قدرت سياسي سرپوش ميگذارند ادعاي مبارزه بر عليه تروريزم سخن پوشالي بيش، نخواهد بود.

آري، براستي با توجه به اينگونه مسائل ميتوان دريافت كه حقيقتا جان و حقوق انسانهاي غير اروپائي چقدر براي دنياى به اصطلاح متمدن بي ارزش ميباشد. زيرا از زمانيكه عمليات وحشيانه تروريستي در رستوران ميكونوس واقع در شهر برلين روي داد و بدليل شهامت تنها يك بازپرس اين پرونده ، مسئوليت كليدي بالاترين هرمهاي قدرت جمهوري اسلامي در اينگونه جنايات افشا گرديد، ميبايستي كه ديگر براي دول اروپائي بخصوص آلمان شكي باقي نمانده باشد كه رژيم مذهبي، بنيان خود را بر پايه ايجاد رعب و وحشت در ميان ايرانيان استوارنموده است. ليكن همگي بياد داريم كه چگونه اعضاي اتحاديه اروپا در يك نمايش مذبوحانه تنها چند روزي سفراي خود را از ايران فرا خوانده و سپس با سواستفاده از موقعيت زبونتر گشته حكام ايران، آنان را بار ديگر به ماموريتهاي خود براي هرچه بيشتر سركيسه كردن ملت محروم ايران بازپس فرستادند.

۲۳ سال است كه همپاي اشك تمساح ممالك اروپائي، حكومت مذهبي در ايران نه تنها روز بروز شكنجه، اعدام، كشتار نويسندگان و روشنفكران بصورت قتلهاي زنجيره اي و زير فشار قراردادن مردم را ادامه داده بلكه مخالفين بسياري را نيز در خارج از ايران عليرغم داشتن پناهندگي " اعطا" گشته ازسوي ممالگي همچو آلمان، سوئد و فرانسه ترورنموده است . در اين راستا عليرغم وجود مدارك كافي و افشاگريهاي غيرقابل انكار، اروپائيان هنوز دست از حمايت جمهوري اسلامي برنداشته و ازيكسو تروريستهائي همچو نقاش و گرجي را با هواپيماي خصوصي به ايران باز ميگردانند و از سوي ديگرقربانيان اصلي كنفرانس برلين يعني مترجمين بي پناه را بدون هيچ واكنش واقعي و موثر، ميگذارند تا در سياهچالهاي ملايان بپوسند.

سفرهاي اخير رئيس جمهور اسلامي به كشورهاني همچو فرانسه، ايتاليا، يونان، اتريش و اسپانيا و ملاقات اخير وزراي امورخارجه رژيم و آلمان و اعلام رضايت طرفين از تفاهم متقابل در مذاكرات دغلكارانه موسوم به "گفتگوي تمدنها" و همچنين اظهارات رئيس پارلمان آلمان كه خواهان گسترش هر چه بيشتر مناسبات بين دو حكومت شد، حاكي از عمق دگرگونيهاي ارزشي در كشورهاي باصطلاح دموكراتيك و حاميان حقوق بشر ميباشد. جاي تعجبي نيست كه دولت اسلامي با اين دلگرمي كه خود را تحت حمايت غرب ميداند به راه خود كه همان كشتار و شكنجه و سركوب يك ملت است ادامه ميدهد.

آيا با توجه به موارد فوق الذكر دول تشكيل دهنده اتحاديه اروپا، بخصوص آلمان، فرانسه، انگليس، ايتاليا و اسپانيا با حمايت از رژيم ملايان در ايران خود را شريك جرم نميدانند؟ آيا اين كشور ها كه

خود را بزرگترين حامي و پاسدار حقوق بشر هم ميدانند در برابر توسعه روابط كاسبكارانه با رژيم ملايان و تقويت جنون قدرت طلبي فاشيسم " حزب الله " در ايران، به اشاعه تروريزم در منطقه و جهان كمك نمينمايند؟ اما بايد ديد كه جان و حقوق بشري يك انسان در عمل براي اين كشورها چقدر ارزش دارد. بيشتر يا كمتر از يك بشكه نفت؟

و در نهايت آيا فقط جمهوري اسلامي را بايد بعنوان تروريست و جنايتكار تحت تعقيب قرار داد يا اينكه متحدينش و يا هم اين و هم آنها را؟

زنده باد آزادي برقرار با نظام عرفي

۲۰ آذرماه ۱۳۸۱

كميته هماهنگي جنبش دانشجوئي براي دموكراسي در ايران